

Socio-Political Aspects of Dignity in the Quranic Wisdom

Abbas Ali Rahbar *

Associate Professor, Department of Political Science,
Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Abstract


Considering the role of dignity in the Quranic politics, the purpose of this article is to describe the socio-political aspects of the concept of dignity. Dignity, as a fundamental category, a theory for recognition, and a core for genuine human-social rights, attracts high human and social virtues and rejects moral decrepitude and intellectual ignorance for individuals and the society. Therefore, this article answers the following question: What are the social-political aspects of dignity in the Quranic wisdom? This hypothesis is put forward in this article, with a qualitative and interpretive approach, that the most important socio-political aspects of the matter of dignity in the Qur'an are based on the transcendental rationality, inclusive justice and the promotion of legitimate freedoms. The value of the article is also understanding the network of the Quranic meanings of dignity in the social-political field and its positive consequences. The findings show that the sincere belief in the social-political dignity of the people in a religious community will facilitate the mutual revival of the social-political rights of the people and the government, in such a way that the promotion of the social-political aspects of dignity arising from the Qur'an will increase the dignity of religion, the responsible cooperation of the people and the government, as well as the comprehensive development of the political system. Failure to pay attention to it will also cause violence and socio-political disorder.

Keywords: Dignity, Recognition, Transcendental Rationality, Justice, Social-Political Rights.

* Corresponding Author: aa.rahbar@atu.ac.ir

How to Cite: Rahbar, A. A. (2022). Socio-Political Aspects of Dignity in the Quranic Wisdom, *A Research Journal on Qur'anic Knowledge*, 13(50), 119-144.

وجوه اجتماعی - سیاسی امر کرامت در معرفت قرآنی

عباسعلی رهبر  * | دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده

با توجه به جایگاه امر کرامت در سیاست قرآنی، هدف از مقاله حاضر شرح وجوه اجتماعی-سیاسی مفهوم کرامت است. زیرا مقوله بنیادین کرامت به عنوان نظریه شناسایی و محور حقوق اصیل انسانی-اجتماعی هم جاذب فضایل والای انسانی و اجتماعی بوده و هم نافی ضلالت اخلاقی و جهالت عقلی برای فرد و جامعه خواهد بود. لذا این مقاله در پاسخ به این سوال که: وجوه اجتماعی-سیاسی کرامت در معرفت قرآنی چیست؟ این فرضیه را باروش کیفی وبارویکرد تفسیری مطرح می‌نماید که مهم‌ترین وجوه اجتماعی-سیاسی امر کرامت در قرآن مبتنی بر عقلانیت تعالی محور (جمع عقل و ایمان الهی)، عدالت فراگیر وارتقاء آزادی‌های مشروع است. ارزش مقاله نیز فهم شبکه معانی کرامت قرآنی در ساحت اجتماعی-سیاسی و تبعات مثبت اجتماعی-سیاسی آن است. همچنین استنتاج یافته‌ها نشان می‌دهد که باور صادقانه کارگزاران جامعه دینی به کرامت اجتماعی-سیاسی مردم به تسهیل احیاء متقابل حقوق اجتماعی-سیاسی مردم و دولت در منظومه شرع و عقل و عرف منجرخواهد شد، به گونه‌ای که ارتقاء وجوه اجتماعی-سیاسی کرامت برآمده از قرآن بر افزایش عزتمندی دین، همراهی مسولانه مردم و دولت و همچنین پیشرفت فراگیر نظام سیاسی اثر گذارخواهد بود و عدم توجه به آن نیز خشونت و بی‌نظمی اجتماعی-سیاسی را به همراه خواهد داشت.

کلیدواژه‌ها: کرامت، شناسایی، عقلانیت تعالی محور، عدالت، حقوق اجتماعی-سیاسی.

۱. مقدمه

هدایت و راهبری فردی و اجتماعی و سیاسی در سایه سار تعالیم قرآنی موجب حرکت به سمت پیشرفت دنیوی و اخروی خواهد شد. قرآن کریم شفای حقیقی است شفای روح، شفای جسم، شفای فرد و جامعه است. شفای جامعی است که هم می‌تواند جامعه را نجات بدهد و هم می‌تواند برای فرد؛ روشنی قلب و روشنی عقل به ارمغان آورد.

مفاهیم اجتماعی و سیاسی بنیادین قرآنی همچون توحید، مشروعیت، مقبولیت، حاکمیت، عدالت، کرامت، عقلانیت، آزادی، استقامت و اعتدال هنگامی بر فضای اجتماعی و سیاسی جامعه اثر خواهند گذاشت که از شکل اولیه باور ساده و بسیط تبدیل به عناصر سه گانه معرفت گردند و در این حالت نظام معنایی خود را باز تولید کنند. ناگفته نماند که این نظام معنایی و معرفت‌شناسانه قرآنی که پویا و اثر گذار است با فرجام‌شناسی قرآنی مرتبط خواهد بود.

از بین مفاهیم کلیدی معارف اجتماعی و سیاسی قرآنی مفهوم "کرامت" بسیار مهم است به گونه‌ای که کرامت جاذب صفات متعالی انسانی و جامع خیرات اجتماعی - سیاسی است که توجه به آن فرد و جامعه را در مسیر پیشرفت مادی و معنوی قرار می‌دهد. از موضوعات بسیار مهم در قلمرو حقوق، فلسفه، اخلاق و عرفان، ارزش یا همان «کرامت انسانی» است زیرا این موضوع پایه و اساس بسیاری از حقوق، امتیازها و تکالیف انسانی است. کرامت انسانی، نه تنها به منزله یک حق یا مجموعه‌ای از حقوق غیر قابل سلب و انتقال است، بلکه محور و مبنای حقوق انسانی تلقی می‌شود. پیشرفت و توسعه پایدار در هر جامعه‌ای در گرو رعایت کرامت است که در صورت بی‌توجهی به این اصل و نبود التزام عملی به آثار آن، ارزش‌هایی چون عدالت، آزادی، برابری و صلح در روابط داخلی و بین‌المللی، مفهوم خود را از دست خواهد داد و در این صورت، شاهد جهانی پر از ظلم، بی‌عدالتی، بی‌مهری، خشونت، جنگ، تجاوز و تبعیض خواهیم بود (ر.ک؛ بدری گرگری، ۱۳۹۵: ۱۰۲ به نقل رحیمی نژاد، ۱۳۹۰: ۱۱۴) لازم به ذکر است که بر مبنای رویکردهای معناشناسی و

تحلیل منطقی، می‌توان کارکرد کرامت را به مثابه رفتاری ارتباطی در چهار گونه رفتار درون‌فردی، میان‌فردی، فرافردی و محیط زیست، بررسی نمود (ر.ک: قاسم احمد، ۱۳۹۶: ۷)

لذا با توجه به اهمیت کرامت در بالندگی انسان و جامعه سوال اصلی مقاله حاضر ناظر به چیستی و جوه اجتماعی-سیاسی کرامت در دانش سیاسی قرآن است که سعی می‌گردد با روش کیفی و با رویکرد تفسیری به واکاوی فرضیه «مهم‌ترین وجوه اجتماعی-سیاسی امر کرامت در قرآن مبتنی بر عقلانیت تعالی محور (جمع عقل و ایمان الهی)، عدالت فراگیر و ارتقاء آزادی‌های مشروع است» پردازد.

۱-۱. پیشینه پژوهش

در مورد پیشینه موضوع و بررسی دقیق مطالعات صورت گرفته در زمینه کرامت انسانی نشان می‌دهد که بیشتر تحقیقات به مباحث کرامت انسانی به صورت کلی پرداخته است. در مقاله کرامت انسانی و خشونت در اسلام (علیخانی، ۱۳۸۵) پس از تبیین جایگاه کرامت انسانی از نگاه اسلام تحت عناوین چیستی کرامت، حق یا فضیلت بودن کرامت انسانی و مبانی کرامت انسانی، آیات مربوط به جنگ و جهاد در قرآن مورد بررسی، تحلیل و دسته بندی قرار گرفته‌اند. در مقاله «کرامت انسان و آزادی در قرآن»، گفته شده است که تاج کرامت بر سر انسان است، مگر اینکه کسی کاری کند که در کرامت خود خللی وارد کند (ایازی، ۱۳۸۶) در مقاله «معناشناسی کرامت انسان در قرآن» چنین نتیجه می‌گیرد که: اسلام، انسان را به عنوان خلیفه معرفی کرده که کرامتش ذاتی است به طوری که در میان نوع بشر در دارا بودن آن، تفاوتی نیست. (یدالله‌پور، ۱۳۸۸). همچنین (رضایی اصفهانی و صدیق حسین، ۱۳۹۳) در مقاله «بررسی تطبیقی آیه کرامت» می‌گوید: «در کرامت ذاتی، نوع بشر در تکوین از جهت آفرینش و داشتن استعدادها و ویژه از آن برخوردار است و در کرامت اکتسابی، انسان با تلاش و کوشش و اراده می‌تواند حتی از فرشتگان پیشی گیرد». حسین زاده اصل و علمی (۱۳۹۵) در مقاله بررسی «مقایسه مسأله کرامت انسان در قرآن و کتاب مقدس کرامت انسان را از منظر قرآن و کتاب مقدس

عبری، بررسی مقایسه‌ای می‌کنند. در مقاله کرامت انسانی در قرآن کریم و پیامدهای سیاسی - اجتماعی آن (افتخاری و اسدی، ۱۳۹۲) اشاره دارد که رویکرد خاص به کرامت انسانی الزاماتی را در حوزه سیاسی و اجتماعی برای شهروندان و نظام سیاسی ایجاد می‌کند. آنچه در این تحقیقات کمتر با آن توجه شده توجه به وجوه اجتماعی و سیاسی کرامت و نقش آن در احقاق حقوق اجتماعی - سیاسی مردم است که در این مقاله به آن پرداخته می‌گردد.

۲. منظومه کرامت در نگاه لغت‌شناسان و مفسرین قرآنی

در پژوهشی به کمک رویکرد معناشناسی تاریخی فرایند معناسازی «کرم» در زبان‌های سامی تا زمان قرآن بررسی شده و ما را به معانی انگور، شراب، زمین حاصلخیز و پر محصول، بارش باران، بخشش، شرافت، احترام و اعتبار در زبان‌های سامی رهنمون می‌سازد. با بررسی معانی به دست آمده، از آنجا که معانی اخیر بخشش، احترام، شرافت و اعتبار فقط در زبان عربی ظهور داشته است، بررسی فرایند تحول معنایی ریشه «کرم» در فرهنگ عصر نزول به مدد رویکرد معناشناسی قومی و دیدگاه‌های انسان‌شناسی اقتصادی از اهمیت بسزایی برخوردار خواهد بود و ما را به شناسایی دقیق‌تر روابط همنشینی و جانشینی ریشه «کرم» در قالب همنشین‌های: «رب، مغفوره، رزق، اجر، مضاعفه، رسول، تقوی، غنی، و اهانه» و در گام بعد جانشین‌های ریشه «کرم»: «رحمه، طیب، عظیم، امین، انفاق، اعطاء، و حمید» رهنمون می‌سازد بود (ر.ک؛ قاسم احمد، ۱۳۹۶: ۷).

کرامت در لغت معانی مختلفی دارد. مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: ارزش، حرمت، حیثیت، بزرگواری، عزت، شرافت، انسانیت، شأن، مقام، موقعیت، درجه، رتبه، جایگاه، منزلت، نزاهت از فرومایگی و پاک بودن از آلودگیها، احسان و بخشش، جوانمردی و سخاوت (ر.ک؛ دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲: ۱۸۲)؛ معین، ۱۳۸۶، ج ۳: ۲۰۰۵؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۲: ۵۱۲). در فرهنگ دینی، مراد از «کرامت»، آنگاه که وصف انسان قرار می‌گیرد، هر چیزی است که سبب شرافت و بزرگی است. در لسان‌العرب نیز آمده است: فرد کریم دارای شرف، شرافت، بزرگواری، بزرگ منشی و نیک سیرتی است (ابن‌منظور، ۱۹۹۳، ج

۱۲: ۵۱۰) در فرهنگ دیکشنری لانگمن نیز کرامت عبارت است از: توانایی رفتار آرام و کنترل شده حتی در شرایط سخت، همچنین این واقعیت که مورد احترام یا شایسته احترام است و اینکه یک کیفیت آرام و جدی را توصیف می کند.

همچنین کرامت کلمه جامعی است که همه خیرات و فضیلت‌ها را در بر می گیرد (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۴: ۷۰۷) کرامت ضد "هوان" به معنای پستی و ذلت است (ر.ک؛ ابن درید، ۱۹۸۸، ج ۲: ۹۹۶) چنانکه قرآن می فرماید: (وَمَنْ يَهِنُ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ) «هر کسی را که خدا او را پست سازد هیچ کس او را بزرگ نخواهد داشت» (حج: ۱۸) کرامت «به قدر و منزلت نیز معنا شده است. یکی از واژه‌های دیگر مرتبط با کرامت، حریت است. وقتی می گویند در فلانی صفت آزادگی هست؛ یعنی کریم است، همانطور که پستی با بردگی همراه است حریت از لوازم کرامت است؛ همانگونه که دنیاگرایی از لوازم لثامت نفس است و موجب پستی انسان می شود، حریت نیز موجب کرامت نفس می - شود (ر.ک؛ مدنی، ۱۴۲۶، ج ۷: ۲۷۰) حضرت علی (ع) می فرماید: «بنده دیگران مباش، در حالی که خداوند تو را آزاد آفریده است». (نهج البلاغه: نامه ۳۱) فرد کریم در روابط اجتماعی حریم مناسبی دارد و روابطش با دیگران در هم تنیده نیست.

در دیدگاه اسلامی، انسان‌ها به طور فطری احساس کرامت می کنند و این حس به دلیل ادراک دارایی‌هایی همچون: نعمت عقل (روم: ۲۴)، امانت الهی (احزاب: ۷۲)، خودآگاهی (به دلیل داشتن نیروی عقل)، قدرت تسخیر امانات الهی، قدرت تکلم، قدرت اختیار و قدرتهای فراوان دیگری است که خداوند به نفس انسان عطا کرده و به همین دلیل وی را ذاتاً گرامی داشته است (اسرا: ۷۰).

همچنین مفسرین قرآنی، آیات زیر را به عنوان منشأ کرامت انسان یاد کرده اند سخن از کرامت به طور خاص، در آیه ۷۰ سوره مبارکه اسراء با عبارات چهارگانه ذکر شده است. در این عبارات، انسان به عنوان موجودی برتر از بسیاری از مخلوقات و دارای والاترین مرتبه کرامت و برخوردار از تمامی پاکی‌ها و خوبی‌ها توصیف شده است. حال این کرامت انسان، چگونه معنا می شود؟ آیا نعمت عقل، مایه کرامت است؟ یا نعمت‌های

مادی دیگر، یا تمام اوصافی که انسان به بهترین و زیباترین شکل در ضمن تعبیرهای گوناگون بدان ستایش شده است؟ مانند زیباترین صورت (تغابن: ۳)، نیکوترین اندازه: (تین: ۴) بهترین آفریده خدا (مؤمنون: ۱۴)، آفریده از روح خدا: (ص: ۷۲؛ ق: حجر: ۲۹)، دارای فطرتی الهی (روم: ۳۰)، خلیفه خدا (بقره: ۳۰) امانتدار خدا (احزاب: ۷۲) و تمام نعمت‌های زمین برای کمال و رشد اوست (بقره: ۲۹) (ر.ک؛ سلمان پور و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۲۵-۲۲۴).

انسان صاحب دو گونه کرامت است: کرامت ذاتی و کرامت اکتساب. مراد از کرامت ذاتی این است که خدا انسان را به گونه‌ای آفرید که از دیگر موجودات ممتاز و برتر است. انسان از کرامت فطری و سرشتی برخوردار است (وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَا هُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَا هُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا)؛ ما بنی آدم را گرامی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا (بر مرکب‌های راهوار) حمل کردیم، و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنها روزی دادیم، و بر بسیاری از خلق خود برتری بخشیدیم (اسراء: ۷۰) و در کرامت اکتسابی انسان می‌تواند با استمداد از تقوا از کرامت اخلاقی و ارزشی بهره برد: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات: ۱۳) همه انسانها مادامی که با اختیار خود، به جهت ارتکاب خیانت و جنایت بر خویشان و بر دیگران، آن کرامت را از خود سلب نکنند از این صفت شریف برخوردارند (ر.ک؛ جعفری، ۱۳۷۷: ۱۰۸). اما اگر فرد در راه به فعلیت رساندن استعداد ذاتی خود نکوشد، بهره‌ای از کرامت واقعی نخواهد برد.

همچنین در نگاهی دیگر کرامت به دو قسم ارزش شناختی و هستی شناختی تقسیم میشود. انسان از لحاظ هستی شناختی و به لحاظ انسان بودن و بدون هر قید دیگری ارزشی ذاتی دارد که این ارزش ذاتی نه قابل اکتساب است و نه قابل انهدام؛ این ارزش را خدا به انسان داده و از افعال او محسوب می‌شود که با واژه «کرامت» و معادل‌هایش نشان داده می‌شود. چنانچه علامه طباطبایی این نوع کرامت را بیان حال جنس بشر می‌داند، خواه مشرک باشند یا کفار یا مانند آن (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۳: ۱۵۵).

انسان نسبت به دیگر موجودات از کمالات بیشتری، همچون عقل، قدرت تکلم و... برخوردار است. بر این اساس، وقتی قرآن می‌فرماید (وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ) (اسراء: ۷۰) در مقام مقایسه با سایر آفریده‌ها چیزهایی را ذکر می‌کند که ارزش اخلاقی ندارد، بلکه یک سلسله نعمت‌ها را بیان می‌کند که به انسان داده و به موجودات دیگر نداده است. در نتیجه، انسان بهره‌جو و وجودی بیشتری دارد (ر.ک؛ مصباح یزدی، ۱۳۷۳: ۳۷۰) از این رو، هیچ کس نمی‌تواند به سبب آن، بر موجودات دیگر فخر فروشی کند، بلکه باید خدا را برای چنین نعمت‌هایی ستود، چنانکه خداوند متعال وقتی مراتب خلقت انسان را در شکم مادرش به بالاترین مرتبه رساند، فرمود: (فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ) (مؤمنون: ۱۴) از آنجایی که انسان مخلوق برگزیده خدا است و از کرامت و ارزش ذاتی برخوردار است، به طور طبیعی در مقایسه با سایر مخلوقات از سلسله حقوق و مزایایی برخوردار است که آنها برخوردار نیستند. یکی از آن حقوق، حق حیات و زیستن است. بنابراین، حق حیات و زیستن به این معنا است که انسان حق ذاتی و بالاصاله بر زیستن دارد و کسی نمی‌تواند وی را از این حق محروم کند. حق حیات دارای اهمیت فوق‌العاده و جدی است و بر سایر حقوق تقدم رتبی دارد؛ زیرا فقدان آن، فقدان دیگر حقوق را در پی خواهد داشت. کرامت هستی شناختی انسان که از افعال خدا است افزون بر اینکه مقتضایش حق حیات است، از مقتضیات و لوازم دیگرش سالم نگهداشتن آن در مراحل زیستی است که نوعی حق سلامت است. (ر.ک؛ فیروز جایی، ۱۳۹۹: ۲۱۰-۲۰۹).

۳. وجوه اجتماعی - سیاسی کرامت در قرآن

وجوه اجتماعی - سیاسی یک مفهوم مانند کرامت با اندیشه سیاسی در ارتباط است. اشتراوس معتقد است که اندیشه سیاسی تأمل دربارهٔ آراء سیاسی یا ارائهٔ تفسیری از آنهاست و منظور از رأی سیاسی، خیال، مفهوم، یا هر امر دیگری است که برای تفکر دربارهٔ آن، ذهن به خدمت گرفته شود و با اصول اساسی سیاست نیز مرتبط باشد (ر.ک؛ رجایی، ۱۳۷۳: ۴).

فهم کرامت در ساحت اجتماعی - سیاسی اشاره به حقی مهم برای انسان در جامعه

دارد به گونه‌ای که در کنار توجه به تکلیف و مسئولیت فرد در بهره‌مندی از حق، کرامت وارد حوزه سیاست و اجتماع شده و با دولت و مردم نسبت معین پیدا می‌کند و حکومت موظف به رعایت اقتضائات اجتماعی - سیاسی کرامت انسانی افراد جامعه می‌گردد. در ادبیات سیاسی معاصر کرامت به نوعی با نظریه شناسایی مرتبط می‌شود (ر.ک؛ هونت، ۱۹۹۹) به گونه‌ای که هویت‌های انکارشده برای غلبه بی‌عدالتی خواهان بازنمایی شفاف و اعتباربخشی به هویت مورد نظر خود هستند. البته اختلال در به رسمیت شناسی منطقی و تحقیر و ایجاد نابرابری خارج از کرامت انسانی موجبات اختلال در نظم اجتماعی - سیاسی جامعه خواهد بود.

۴. سه مؤلفه اصلی وجوه اجتماعی - سیاسی کرامت در دانش قرآنی

لذا در ادامه برای شناخت بهتر و عمیق موارد مذکور، به اهم وجوه اجتماعی - سیاسی کرامت متخذ از دانش قرآنی در قالب سه مؤلفه عقلانیت سیاسی تعالی محور، عدالت و آزادی پرداخته می‌گردد.

۴-۱. کرامت و عقلانیت سیاسی تعالی محور

از نظر گاه قرآنی، انسان دارای روحی الهی است؛ در قرآن می‌خوانیم: (و نفخت فیه من روحی) (حجر: ۲۹). وجود و کالبد آدمی، ظرفیت آن را یافته‌است که روح خداوندی را در خود پذیرا شود. با توجه به این توانمندی، روح انسان ویژگی‌هایی دارد که اساس آنها کرامت است (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۱: ص ۷۹-۸۰). خداوند در قرآن کریم، انسان را ستایش کرده‌است؛ آنجا که می‌فرماید:

«و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌ها] برنشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود، برتری آشکار دادیم (اسراء: ۷۰).

با تأمل در این آیه می‌توان دریافت که خداوند با دو تعبیر دقیق، انسان‌ها را بر بسیاری از دیگر موجودات برتری داده‌است: کرّما و فضلنا.

به بیان فیض کاشانی برتری بخشی انسان با عقل و خردورزی، سخندانی، صورت زیبا، تدبیر امر معاش و معاد، تسلط بر زمین و قدرت بر صنعت‌ها و حرفه‌هاست (ر.ک؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۳: ۲۰۶). اگر دانشور سیاسی و قدرت حاکم، این شأن و کرامت انسانی را در یابد و بر اساس آن جایگاه با آنان رفتار کند، میتواند امور و مسائل جامعه را با نگرشی دیگرگون، تدبیر و مدیریت کند. علامه طباطبایی ذیل آیه‌ای که در بالا ذکر شد، می‌نویسد: «مراد از تکریم در قول خداوند، اختصاص دادن یک امر با عنایت و شرافت دادن به چیزی است که به آنان اختصاص دارد و در دیگر موجودات نیست و سپس به ویژگی و امتیاز خاص انسان و بنی آدم اشاره می‌کند: «فرزندان آدم دارای کرامت هستند به آنچه خداوند به آنان اختصاص داده است نسبت به سایر جنندگان که انسان را از دیگران ممتاز میکند و آن، همانا عقل و خردی باشد که حق و باطل، نیکی و بدی، سودبخش و آسیب رسان را از هم جدا می‌کند» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۳: ۱۵۶).

پس انسان وقتی که به گوهر خود وفادار باشد و کرامت بر نفسش حاکم، شهوت‌ها را پست می‌داند (ر.ک؛ نهج البلاغه، حکمت ۴۴۹) و گام در مسیر عزت و کرامت می‌گذارد که همانا پرستش خداوند، دارای جنبه‌های بسیار است. در جنبه اثباتی، عبادت این است که انسان تنها متوجه خداوند سبحان باشد؛ اما جنبه سلبی آن است که انسان به غیر از خدا به هیچ چیز دیگری، حتی به خودش نیز توجه نداشته باشد (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲۱).

همان طور که اشاره شد از وجوه مهم کرامت سیاسی در قرآن توجه به عنصر عقلانیت است. اسلام طرفدار تعقل است و شدیداً هم طرفدار است. در سوره زمر می‌خوانیم: (فَبَشِّرْ عِبَادِ. الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَ أُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ)

بندگان مرا نوید بده، کأنه قرآن می‌خواهد بگوید بنده خدا آن است که چنین باشد، و لازمه بندگی خدا این است. الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ آنان که سخن را استماع می‌کنند. نمی‌گوید: يَسْمَعُونَ. فرق است بین «سماع» و «استماع». سماع یعنی شنیدن ولو انسان نمی-

خواهد بشنود. استماع گوش فرا دادن است. قرآن می گوید: (الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ) آنان که سخن را استماع می کنند؛ یعنی این جور نیست که هر حرفی را هنوز درک نکرده رد کنند و بگویند ما نمی خواهیم بشنویم. اول استماع می کنند، به دقت دریافت می کنند (فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ) بعد غربال می کنند، تجزیه و تحلیل می کنند، خوب و بدش را می سنجند و بهترین آن را انتخاب و پیروی می نمایند. اصلاً معنی آیه، استقلال عقل و فکر است که فکر باید حکم یک غربال را برای انسان داشته باشد و انسان هر حرفی را که می شنود در این غربال قرار دهد، خوب و بد را بسنجد، ریز و درشت کند و خوبترین آنها را انتخاب و اتباع نماید. (أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ). قرآن این هدایت را با اینکه هدایت عقلی است، هدایت الهی می داند. (أُولَئِكَ هُمُ أُولُوا الْأَلْبَابِ) اینها هستند به معنی واقعی صاحبان عقل. «الْبَاب» جمع «لَب» است. لب یعنی مغز، گویی انسان را تشبیه به یک گردو یا بادام کرده که تمام یک گردو یا بادام پوسته است و آن اساسش مغزش می باشد که در درون آن قرار دارد. تمام هیكل و اندام انسان را که در نظر بگیرید، آن مغز انسان، عقل و فکر انسان است. اگر بادامی مغز نداشته باشد چه می گوئیم؟ می گوئیم پوچ است و پوک و هیچ و باید دورش انداخت (ر.ک؛ شهید مطهری، ج ۲۲: ۸۵۸).

بنابراین باید متناسب با عقلانیت سیاسی و اجتماعی جامعه گام برداشت. قدم صدق بر اساس معرفت شناسی سیاسی می تواند به رفتار و اندیشه عقلانی جامع تبدیل شود و عقلانیت متعالی محور نیز عدل و عدالت را به وجود آورد به گونه ای که شرایط زندگی کریمانه را فراهم نماید.

در نظام هستی شناسی اولویت خلقت بر طبیعت است که با ترابط عقل و وحی (عقل سراج و وحی صراط) عبودیت الهی را در ساحت حاکمیت و جامعه متجلی می نماید که نتیجه آن نیز کرامت و حریت اجتماعی - سیاسی خواهد بود. لذا بعثت پیامبران مبتنی بر احیای عقلانیت است. عقلانیتی که به کرامت، عدالت، معنویت و امنیت جامع نیز می پردازد. لذا به درستی گفته شده که افراد در صدر اسلام عالم بوده اند اما عدل و کرامت نداشتند. وقتی اسلام ظهور کرد همراه با جریان علم و عمل بود و جاهلیت را به جامعه

عقلانی تبدیل کرد.

کارگزاران نظام سیاسی اگر نگران دین مردم و پیشرفت جامعه هستند باید احترام واقعی و کرامت محور به مردم بگذارند و جامعه را به سمت عقلانیت تعالی محور ببرند، در جامعه جاهلی که نافی کرامت اجتماعی انسان است، ظن و گمان غیر منطقی حاکم است و تنها با ایمان و عقل و وحی می توان به احیاء جامعه پرداخت. احترام و حرمت به عقلانیت احترام و حرمت به رسالت و رسول ص که با توجه به مولفه های زیر موجبات پیشرفت فردی و اجتماعی و ارتقاء کرامت اجتماعی و سیاسی را فراهم می کند:

الف: مهم ترین بحث بر سر دعوت پیامبران قبول دین همراه با بصیرت است؛ که ۳۰۰ آیه قرآن مرتبط با اندیشه برای ایجاد نظام متعالی محور است.

ب: فلسفه احکام انگیزه عمل را بیشتر می کند.

ح: تشویق به خرد ورزی عامل بسیار مهم برای کمک به ارتقاء عقلانیت تعالی محور برای سبک زندگی کریمانه است.

د: آینده نگری و گفت و گوی مبتنی بر عقلانیت و منطق باب تضارب آراء در جامعه را باز خواهد کرد اما اگر قائل به حذف باشیم باب عقلانیت و مشی کریمانه در جامعه بسته می شود. احزاب می توانند باب گفت و گو و پرسش گری را به وجود آورند. در جامعه ای که تحقیق و پرسش گری وجود نداشته باشد، آن جامعه زنده و پویا نیست به گونه ای که مانع خرد ورزی و سبک زندگی کریمانه می گردد.

از تبعات نفی کرامت انسانی و امر کرامت اجتماعی-سیاسی بروز جهالت عقلی است همان جهالت عقلی که در عصر قبل از بعثت هم وجود داشت. در خطبه یکم نهج البلاغه حضرت علی ع اشاره دارد که "فهداهم به من الضلاله و انقذهم من الجهاله". در دوران مدرن هم به نوعی در بعضی از نگرش ها با جاهلیت مدرن در قالب نسیان معرفت توحیدی روبرو هستیم. واضح است که این جهالت در برابر علم و دانش نیست بلکه بالاتر از آن جهالتی در برابر عقل و عقلانیت تعالی محور است. علم و درس و دانش فقط پل و ابزاری است برای اینکه انسان عاقل شود و بتواند به یافته های عقلانیت تعالی محور عمل نماید.

جهالت عصر مدرن مذکور مبتنی بر دانشی است که به وسیله عقل خود بنیاد و سکولار راهبری و مدیریت می‌شود و نتیجه این جهالت عقلی ترویج استبداد و استکبار و تحقیر هم‌نوع و همچنین کاهش کرامت انسانی - اجتماعی است.

۴-۲. کرامت و عدالت

در منابع اسلامی بحث از اهمیت و جایگاه عدالت به گونه‌ای به میان آمده‌است که تردیدی باقی نمی‌گذارد که اسلام، کرامت انسانی را به عدالت گره زده‌است. به گونه‌ای که بدون تحقق عدالت، کرامت انسانی نیز به مخاطره خواهد افتاد. بررسی منابع معتبر فقهی، حاکی از گستردگی کاربرد مفهوم عدالت در جامعه اسلامی است. عمومیت آیاتی همچون (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ) (نحل: ۹۰) شان می‌دهد که عدالت در کلیه عرصه‌ها و شئون اجتماعی مورد توجه است. از این رو، در آیاتی نظیر (يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ) (ص: ۲۶).

رعایت عدالت در قضاوت مورد تأکید قرار گرفته‌است. آیاتی همچون (وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَمَامِي فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا)؛ (نساء: ۳) و (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوُّوا أَوْ تَعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانِ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا) (نساء: ۱۳۵) نیز رعایت عدالت در ادای شهادت را مورد تأکید قرار داده‌اند. و آیاتی همچون (وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ) (انعام: ۱۵۲) نیز عدالت در قول را مورد تأکید قرار داده‌اند (ر.ک؛ شبان‌نیا، ۱۳۹۳: ۳۰).

مفهوم قسط نیز در چهار حوزه حقوق و قوانین تنظیمی، قضاوت و دادگستری، معاملات اقتصادی و کنش‌های اجتماعی - سیاسی در قرآن کریم به کار رفته‌است قسط یک الگوی عدالت مبتنی بر قانون‌مداری و رعایت حقوق افراد است. (اخوان طوسی و داوری، ۱۳۹۷: ۱۲۵) و اقامه قسط و عدل از جمله سازوکارهای فقه اسلامی است که مسلمانان را در مسیر تحقق کرامت انسانی مکلف می‌سازد تا آنگونه از مواهب الهی

بهره گیرند و در عالم خلقت تصرف نمایند که حق به حقدار رسد و کسی امکان تعرض به حقوق دیگران نیابد.

در کلام برخی فقها، بین کرامت و اقدامات مثبت اقتصادی به منظور رفع محرومیت و کاهش شکاف طبقاتی رابطه برقرار شده است (ر.ک؛ جعفری، ۱۴۱۹: ۱۵۱). (در این زمینه، با استناد به آیه شریفه «و لقد کرّمنا»، به ضرورت انجام اقدامات اقتصادی توجه شده است. در این باره، ممنوعیت اضرار به دیگران نیز لحاظ شده است. البته هر اقدام دیگری که به حقوق افراد لطمه وارد کند نیز ممنوع شمرده شده است (ر.ک؛ جعفری، ۱۴۱۹: ۱۵۳). در برابر، انجام هر کاری که سعادت دنیا و آخرت انسانها را محقق می‌سازد، به منزله تکریم آنهاست و به حکم آیه شریفه، احترام به آنان لازم است. نفی فقر و محرومیت بر این مبنا، یکی از تکالیف دولت است. هر اقدام حمایتی که دولت از اقشار آسیب پذیر به عمل آورد تحقق کرامت انسانی است. بی تفاوتی دولت‌ها نسبت به وضع معیشت و فضای کسب و کار آنها خلاف کرامت است (ر.ک؛ راعی، ۱۳۹۳: ۱۷).

در تفسیر المیزان نیز به معنای عدالت اشاره شده است کسانی که در احکام و معارف اسلامی بحث می‌کنند در خلال بحث‌های خود بسیار به لفظ عدالت بر می‌خورند، و چه بسا در باره عدالت به تعاریفات مختلف و تفسیرهای گوناگونی که ناشی از اختلاف مذاق-های اهل بحث و مسلک‌های ایشان است برخورد می‌کنند، لیکن مذاقی که در تعریف عدالت اختیار می‌کنیم باید مذاقی باشد که با کار ما که تفسیر قرآن است سازگار باشد. و آن این است که بگوییم: عدالت که در لغت به معنای اعتدال و حد وسط بین عالی و دانی و میانه بین دو طرف افراط و تفریط است، در افراد مجتمعات بشری هم عبارتست از افرادی که قسمت عمده اجتماع را تشکیل می‌دهند و آنان همان افراد متوسط الحالند، که در حقیقت به منزله جوهره ذات اجتماعند، و همه ترکیب و تالیف‌های اجتماعی روی آنان دور می‌زند.

تنها افرادی در تشکیل جامعه به حساب می‌آیند که مردمی متوسط الحال هستند، تنها اینانند که ساختمان و اسکلت جامعه را تشکیل می‌دهند و بدست اینان است که مقاصد

وجوه اجتماعی - سیاسی امر کرامت در معرفت قرآنی؛ رهبر | ۱۳۳

جامعه و آثار حسنه ای که غرض از تشکیل جامعه حصول آن مقاصد و تمتع از آن آثار است ظاهر می‌گردد، و این مطلب روشن است و هیچ جامعه‌شناسی نیست که در اولین برخورد به آن به حسن قبول تلقیش نکند، آری هر کسی به طور قطع احساس می‌کند که در زندگی اجتماعی خود به افرادی احتیاج دارد که رفتار اجتماعی شان مورد اعتماد و در امور میانه رو باشند، از بی باکی و قانون شکنی و مخالفت با سنن و آداب جاری پروا داشته باشند، و تا اندازه ای نسبت به حکومت و دستگاه قضا و شهادت و غیره لا ابالی نباشند. ایجاد عدالت اقتصادی و فقرزدایی در اندیشه سیاسی امام (ع) با نگاه به کرامت انسانی، قابل فهم است. از این رو، حضرت ثروت‌های فراوان و گزاف را نشانه‌ای از شکاف عظیم طبقاتی می‌دانند که ناشی از تضییق حقوق انسان‌هاست و رسالت مقابله با آن بر دوش حاکم جامعه است (ر.ک؛ نهج البلاغه، خ ۳). توزیع عادلانه درآمدها به منظور زدودن استخفاف مالی یک وظیفه است که آن را جزو رسالت‌های حکام می‌دانند (ر.ک؛ نهج البلاغه، خ ۱۰۵).

۴-۳. کرامت و آزادی

در اسلام، حق آزادی در حد حق حیات از اهمیت برخوردار است. هور کامل آزادی در عزم و اراده و تسلط کامل در افعال و اندیشه است؛ همان‌گونه که مفهوم سیاسی و اجتماعی آزادی؛ قدرت بر تصرف و تعیین سرنوشت و آزادی بیان و اندیشه و عقیده است.

کرامت ذاتی؛ قاعده‌های مبنایی در نظام اجتماعی است کرامت انسانی، در روابط انسانی و تعامل‌های اجتماعی، قاعده‌ای زیرساختی و مبنایی است به گونه‌ای که هر نوع امر انسانی و هر نوع رابطه و حکمی از روابط و احکام اجتماعی، با این قاعده محک می‌خورد. در حکمرانی مطلوب اسلامی، روابط اجتماعی در فضای تکریم، سامان درستی می‌یابد و اصلاحات اجتماعی در بستر کرامت انسانی شکل می‌گیرد (ر.ک؛ موسی‌زاده و کیخا، ۱۳۹۹: ۱۰۵).

همان‌طور که معیار کرامت فرد انسان، تقوای الهی است، معیار کرامت نظام قدرت

حاکم بر حوزه عمومی نیز تقوا است. قدرت سیاسی باتقوا قدرتی است که مشروعیت خود را از مبدأ الهی دریافت داشته و بینش و کنش خود را در انطباق با شریعت الهی قرار داده است. حکومت باتقوا و سیاست کریمانه، حاکمیتی است که یاد خدا را عالم گیر نماید، حقوق مالی مشروع را استیفا نموده به اهلش برساند، معروف را احیا داشته و منکر را محو نماید؛ چنان که در آیه شریفه ۴۱ سوره الحج فرمود: (الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ). نیل به چنین موقعی از عمل سیاسی به استناد همین آیه موجب «سیادت سیاسی» خواهد شد (ر.ک؛ رضانی و دانش شهرکی، ۱۳۹۲: ۶۷)

دموکراسی کرامت و آزادی یک فرد را به شیوه‌های زیر ارتقا می‌دهد: شور احترام و آزادی مردم را به رسمیت می‌شناسد. پیش از این، اکثر جوامع در سراسر جهان به زنان بی-احترامی می‌کردند. مبارزات طولانی مدت زنان باعث شده‌است که مردم به اهمیت احترام و رفتار برابر در یک دموکراسی پی ببرند.

با ایجاد موقعیت و فرصت برابر به کاست‌های محروم و تبعیض شده جامعه کمک کرده است. اگرچه ممکن است موارد بسیاری از نابرابری‌ها و جنایات مبتنی بر کاست وجود داشته باشد، اما فاقد پایه‌های اخلاقی و قانونی است. مردم را از وضعیت تابع بودن به شهروندی دارای حقوق و تکالیف تبدیل می‌کند (منبع اینترنتی، ۲۰۱۶).

از نگاه اندیشمندان، رعایت کرامت انسانی در حوزه تعاملات سیاسی ابعاد گوناگونی دارد. احترام گذاشتن به رأی مردم، مشارکت سیاسی مردم، پذیرش انتقادات، دوری از باند و جناح بندی و نمونه‌های دیگر در این زمینه تعریف شده‌است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز، هم در مقدمه و هم در پایه ششم اعتقادی این نظام اسلامی، به کرامت انسانی توجه شده است. در واقع، اصل «آزادی و اختیار انسان در مناسبات سیاسی» تجلی کرامت انسانی و مقتضای خلیفه الهی اوست (ر.ک؛ عمید زنجانی، ۱۴۲۱ق، ج ۱: ۲۵۳) مراعات تمام حقوق ناشی از کرامت انسانی و تلاش برای برخوردار شدن از یک نظام سیاسی مطلوب است تا جایی که سیاست داخلی، سیاست

خارجی و روابط بین‌الملل و حق تعیین سرنوشت و استقلال سیاسی را باید بر مبنای کرامت در نظر گرفت.

کرامت در مناسبات سیاسی، برخوردار شدن از یک زندگی شرافتمندانه اجتماعی و سیاسی به عنوان یک حق است که مسئولیت دولت را در این زمینه نشان می‌دهد (ر.ک؛ جعفری، ۱۴۱۹ق: ۱۴۹). ممنوعیت رفتار قساوت بار و ذلت‌زا در یک نظام سیاسی به سبب توجه به کرامت انسانی است (ر.ک؛ همان، ۱۵۳) در سخنان دیگران، به الزامات این زندگی همچون خوراک، پوشاک و مسکن، که در یک زندگی آبرومندانه لازم است، توجه داده شده (ر.ک؛ لنگرانی، ۱۴۲۵ق، ج ۱: ۴۳۳) تحقق کرامت سیاسی برای انسان‌ها در نگاه امام علی ع در صورت ویژه‌هایی ترسیم شده است. این نگاه دارای آثار رفتاری بی‌بدیلی نیز هست. احترام به حقوق شهروندان و اهتمام به خدمت به آنها رهاورد کرامت سیاسی در سخنان ایشان است. شکستن ریشه‌های بی‌انصافی و ضرورت توجه به انصاف با مردم در تمام امور، مبنای غیرقابل تردید کرامت انسانی را شکل می‌دهد (ر.ک؛ دلشاد تهرانی، ۱۳۷۷: ۳۷۹) انتخاب و نقش مردم در نظام سیاسی به نوعی با کرامت آنان در ارتباط است. انتخاب مبتنی بر کرامت انسانی، که از سوی خداوند تبارک و تعالی در اختیار انسان قرار گرفته، از یکسو، او را به انتخاب الهی می‌رساند، و از سوی دیگر، او را به داشتن احساس مسئولیت اجتماعی در قبال جامعه وامی‌دارد (ر.ک؛ راعی، ۱۳۹۳: ۲۲).

کرامت انسانی به نوعی با اقتضا امر انسانی انسان سرو کار دارد که البته با نظام سیاسی جامعه نیز مرتبط می‌شود به گونه‌ای که لازم است به ضمن احترام به کرامت انسان و نقش او در جامعه، به مشارکت عملی و واقعی افراد جامعه توجه نمود. لازم به ذکر است که ارتباطات جمعی و مشارکت اجتماعی و سیاسی انسان می‌تواند به توسعه کرامت انسانی کمک نماید. ساختار سیاسی جامعه باید به گونه‌ای باشد نگرش‌های تحقیر آمیز و تبعیض‌زا را باید رفع نماید. بسترسازی اجتماعی و فرهنگی برای ارتقای نگرش عمومی و سیاسی جامعه در جهت ارتقا کرامت بسیار مهم است که باید در سازوکارهای قانونی و

سیاستگذاری عمومی خود را نشان دهد دولت اسلامی باید در جهت تمشیت امر کرامت انسانی مسولیت مدنی جامعه را به رسمیت بشناسد و خود را پاسخ‌گوی مطالبات منطقی مردم بداند.

۵. اسلام پرتویی از کرامت حقیقی و کسب حقوق اجتماعی_سیاسی

در بهره‌مند شدن از حقوق بشری و حقوق اجتماعی، به مینا بودن کرامت توجه شده‌است و اینکه لازمه حرمت ایذا و آزار دیگران نیز در کلام اندیشمندان این حوزه مد نظر قرار گرفته‌است (ر.ک؛ جعفری، ۱۴۱۹ق: ۱۵۳).

از آن رو که اسلام دین اخلاق و مکرمات‌های اخلاقی است و از آنرو که خداوند با قسم، از کرامت انسانی یاد کرده، پس نمیتوان در مناسبات اجتماعی، رفتاری خلاف کرامت انسانی داشت.

از لوازم زندگی مبتنی بر کرامت ذاتی انسانی این است که همه انسان‌ها از حقوق عادلانه و مساوی در حیات اجتماعی برخوردار باشند و مردم به شهروند درجه یک و دو تقسیم نشوند و همه در برخورداری از حقوق اجتماعی یکسان شمرده شوند و تبعیض و طبقات اجتماعی و برتری دادن گروهی بر گروه دیگر وجود نداشته باشد.

یکی از حقوق طبیعی بشر، حق حیات است. در فرازهای متعددی از تعالیم اسلامی تضمین این حق بشری خود را نمایان می‌سازد. برای مثال در قرآن کریم آمده‌است که (ولا تفتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق) (انعام: ۱۵۱) و نیز «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده: ۳۲) همان‌گونه که می‌بینیم در این آیه خداوند نفس انسان را صرف نظر از دین و جنسیت و زبان و فرهنگ او دارای حرمت معرفی کرده است (ر.ک؛ عمید زنجانی و توکلی، ۱۳۸۶: ۱۶۵).

در مورد حقوق بشر و کرامت ذاتی انسان در اسلام باید گفت اسلام که در محیطی مملو از انواع تبعیض‌های اجتماعی ظهور کرد، به صورتی جدی به مبارزه با تبعیض‌ها پرداخت. قرآن کریم در آیه «ولقد کرّمنا بنی آدم» (اسراء: ۷۰). تبعیض میان انسان‌ها را به

طور کلی منکر می‌گردد و همه آدمیان را دارای کرامت می‌دانند. همچنین در آیه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا» (حجرات: ۱۳) اصلی‌ترین معیار تبعیض در جهان دیروز و امروز یعنی قومیت‌گرایی و ملیت‌پرستی نفی می‌شود و در آیه «وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاخْتِلَافِ السِّنِّكُمْ وَالْوَالِدِكُمْ» (روم: ۲۲) اختلاف رنگ پوست و زبان را آیه‌ای از آیات خداشناسی و نه ابزاری برای تبعیض می‌دانند (ر.ک؛ عمید زنجانی و توکلی، ۱۳۸۶: ۱۶۸). در اعلامیه‌ها و میثاق‌های جهانی حقوق بشر، نگاه به بشر، نگاه اومانستی و بدون در نظر گرفتن حقوق روحی و معنوی اوست. به وضوح اهدافی چون آرامش معنوی بشر و رشد روحی او در اعلامیه جهانی حقوق بشر مغفول مانده است؛ حال آنکه فقدان تعالی روحی و گم شدن روح عبادت در بسیاری از جوامع می‌تواند موجب ناهنجاری‌هایی بس بزرگتر از فقر و جنگ و گرسنگی گردد. به گونه‌ای که کرامت انسانی و اجتماعی جامعه را دچار مشکل خواهد کرد؛ انسان‌ها را صرف نظر از دین و نژاد و زبان و رنگ و ملیت صاحب نوعی کرامت ذاتی می‌داند؛ اما از پس این کرامت او را به کرامت اکتسابی فرامی‌خواند و معیار این کرامت اکتسابی را نیز در نزدیکی به خداوند و دین باوری او می‌داند. بسیاری از تفاوت‌های تعریف حقوق بشر و ابزار تضمین‌کننده آن در اعلامیه‌های جهانی و اسلام از همین نکته نشأت می‌گیرد (ر.ک؛ عمید زنجانی و توکلی، ۱۳۸۶: ۱۸۷) در اسلام کرامت اکتسابی در ارتباط با خداست و معنویت بشر و تناسب حقوق و تکالیف در عوامل کرامت بخش انسان و جامعه مود توجه قرار می‌گیرد. کرامت بسان زیرین‌ترین لایه سامانه دنیای معاصر - که بلندترین صدای تمدنی مدرنیته است - هم از ناحیه متفکران غیرباورمند به ادیان و نیز از سوی دین باوران، مورد انتقادهایی مبنایی، روشی و کارکردی واقع شده است. از منظر متالهان مسیحی و مبتنی بر تعالیم عهدین، کرامت انسان محصول صورت بندی او از سه اقنومی است که حقیقت لاهوت را تشکیل می‌دهند و او مکرم است، تا زمانی که صورت خدایی دارد؛ و اندیشمندان مسلمان نیز او را در خلافتش و تا زمانی که خلیفه خداست در زمین، مکرم می‌دانند و مدقانه شئون و برون داد کرامت را نیز به گونه دیگری فریاد می‌زنند. از منظر

ایشان، کرامت‌مندی و ارجمندی چیزی است و تظاهر اجتماعی آن نیز چیز دیگری. (ر.ک؛ ارسطا و برته، ۱۳۹۸: ۴۰).

بحث و نتیجه‌گیری

توجه به شبکه معنایی کرامت انسانی در قرآن بسیار مهم است زیرا این موضوع پایه و اساس بسیاری از حقوق، امتیازها و تکالیف انسانی و اجتماعی - سیاسی است. انسان صاحب دو گونه کرامت است: کرامت ذاتی و کرامت اکتسابی. مراد از کرامت ذاتی این است که خدا انسان را به گونه‌ای آفرید که از دیگر موجودات ممتاز و برتر است. در کرامت اکتسابی انسان می‌تواند با استمداد از تقوا از کرامت اخلاقی و ارزشی بهره برد: (إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ) (حجرات: ۱۳) همه انسان‌ها مادامی که با اختیار خود، به جهت ارتکاب خیانت و جنایت بر خویشان و بر دیگران، آن کرامت را از خود سلب نکنند از این صفت شریف برخوردارند. کرامت انسانی برآمده از معرفت اجتماعی - سیاسی قرآنی؛ که مرتبط با ایمان و وحی و عقل است، نه تنها به منزله یک حق یا مجموعه‌ای از حقوق غیر قابل سلب و انتقال است، بلکه محور و مبنای حقوق اصیل انسانی و اجتماعی تلقی می‌شود. به گونه‌ای پیشرفت و توسعه پایدار در هر جامعه‌ای در گرو رعایت آن است که در صورت بی‌توجهی به این اصل و نبود التزام عملی به آثار آن، ارزش‌هایی چون به رسمیت شناسایی، عقلانیت سیاسی، عدالت، آزادی و مردم‌مداری حقیقت وجودی خود را از دست خواهد داد و به جز ظاهر و پوسته چیزی از آن باقی نخواهد ماند. متناسب با امر کرامت اجتماعی - سیاسی ساختار سیاسی جامعه باید به گونه‌ای باشد که نگرش‌های تحقیر آمیز و تبعیض‌زا را رفع نماید. لذا بسترسازی اجتماعی و فرهنگی برای ارتقای نگرش عمومی و سیاسی جامعه در جهت ارتقاء کرامت انسانی با رویکرد الهی-انسانی محور بسیار مهم است که باید آن را در سازوکارهای قانونی و سیاست‌گذاری عمومی دید.

ضرورت دارد دولت اسلامی در جهت تمشیت امر کرامت انسانی مسولیت مدنی جامعه را به رسمیت بشناسد و خود را پاسخ‌گوی مطالبات منطقی مردم در جهت عقلانیت

وجوه اجتماعی- سیاسی امر کرامت در معرفت قرآنی؛ رهبر | ۱۳۹

تعالی محور، عدالت فراگیر و تأمین آزادهای مشروع و تعیین حق سرنوشت مردم بدانند. چراکه تحلیل یافته‌های تاریخی در ارتباط با عدم توجه به امر کرامت اجتماعی-سیاسی نشان می‌دهد همان گونه که افزایش ادراک کرامت اجتماعی-سیاسی مردم موجبات پیشرفت معنوی و مادی را فراهم می‌کند، احساس تحقیر، اختلال در به رسمیت‌شناسی، انکار و بی‌عدالتی نیز به تحولی اساسی در ذهنیت مردم در جهت منفعل شدن و یا ایجاد بی‌نظمی اجتماعی-سیاسی توسط آنان منجر خواهد شد. پیشرفت و توسعه پایدار در هر جامعه‌ای در گرو رعایت کرامت فردی و اجتماعی-سیاسی مردم است که در صورت بی‌توجهی به این اصل و نبود التزام عملی به آثار آن، ارزش‌هایی چون عدالت، آزادی، برابری و صلح در روابط داخلی و بین‌المللی، مفهوم خود را از دست خواهد داد.

ORCID

Abbas Ali Rahbar



<http://orcid.org/0000-0003-4170-1316>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

قرآن کریم. ترجمه مکارم شیرازی

نهج البلاغه. ترجمه دشتی، قم: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین

ابن درید، محمد بن حسن. (۱۹۸۸) جمهره اللغه. بیروت: دارالعلم للملایین.

ابن منظور. (۱۹۹۳ م). لسان اللسان تهذیب لسان العرب. بیروت: دارالکتب العلمیه.

اخوان طیبی، محمد حسین و داوری، حسین. (۱۳۹۷). صورت بندی مفهوم عدالت در قرآن کریم

بر مبنای معنا شناسی واژه قسط. دوفصلنامه علمی- پژوهشی پژوهشنامه تفهیم و زبان قرآن.

ش ۱۳. پاییز و زمستان. ۱۲۸-۱۰۷.

ارسطا، محمد جواد و برته. (۱۳۹۸). جریان شناسی انتقادی حقوق بشر با تحلیل مفهوم پایه از

کرامت انسان مبتنی بر اسلام و مسیحیت. معرفت ادیان. سال دهم. ش ۳. تابستان ۴۳-۲۵.

بدری گرگری. رحیم و همکاران. (۱۳۹۵). بررسی ابعاد و آثار کرامت انسان از دیدگاه امام رضا

علیه السلام و مکاتب روانشناسی. فصلنامه علمی پژوهشی فرهنگ رضوی. سال هفتم. ش

۲۶. ۱۳۵-۱۰۱.

جعفری، محمد تقی. (۱۴۱۹ ق). رسائل فقهی. تهران: مؤسسه منشورات کرامت.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۱). تفسیر موضوعی قرآن: صورت و سیرت انسان در قرآن. ج ۲. قم:

مرکز نشر اسراء.

دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۷۷). دولت آفتاب. تهران: خانه اندیشه جوان.

دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغتنامه دهخدا. چاپ دوازدهم. تهران: دانشگاه تهران.

راعی، مسعود. (۱۳۹۳). معنا و میناشناسی کرامت انسانی؛ با نگاهی بر کرامت سیاسی در آموزه های

قرآنی. فصلنامه معرفت سیاسی. سال ششم. ش دوم. ۲۴-۵.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲). المفردات فی غریب القرآن. تحقیق صفوان عدنان

داوودی. دمشق: دار العلم.

لئو اشتراوس، لئو. (۱۳۷۳). فلسفه سیاسی چیست؟. ترجمه فرهنگ رجایی. تهران: انتشارات

علمی فرهنگی.

رمسانی، حسین و دانش شهرکی، حبیب الله (۱۳۹۳). شاكلة ارزشی جامعه آرمانی از منظر معرفت و

تفکر اسلامی» در دوفصلنامه تخصصی پژوهشنامه علوم انسانی وابسته به جامعه المصطفی.

سال دوم. شماره دوم، پاییز و زمستان. ۵۱-۷۸

سلمان پور، داود و همکاران. (۱۳۹۸) کرامت ذاتی انسان در قرآن کریم و چالش‌های فراروی آن.

«مطالعات قرآن و حدیث». سال سیزدهم. شماره اول. پاییز و زمستان. ۲۲۴۲-۲۱۹.

شبان نیا، قاسم. (۱۳۹۳). سازوکارهای فقه اسلامی در احیا و تثبیت کرامت انسانی. معرفت سیاسی.

سال ششم. شماره اول. بهار و تابستان. ۲۵-۴۲.

طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ط الاولی. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

عمید زنجانی، عباسعلی و توکلی، محمد مهدی. (۱۳۸۶). حقوق بشر اسلامی و کرامت ذاتی انسان

در اسلام. فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دوره ۳۷ شماره ۴. ۱۸۹-

۱۶۱.

عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۴۲۱ق). فقه سیاسی. چ چهارم. تهران: امیر کبیر.

فیروزجایی، اسداله. (۱۳۹۹). واکاوی پیش‌انگاره کرامت هستی‌شناختی انسان بر حرمت سقط

جنین با رویکرد کلامی. *دوفصلنامه علمی انسان‌پژوهی دینی*. سال هفدهم. شماره ۴۴. پاییز

و زمستان. 212-01.

فیض کاشانی، ملامحسن. تفسیر الصافی؛ تحقیق حسین اعلمی. چ ۲. تهران: انتشارات الصدر.

قاسم احمد، مریم. (۱۳۹۶). تحلیل مفهومی کرامت در قرآن و روایات در پرتو دانش معناشناسی و

ملاک‌های سنجش آن در رفتار ارتباطی. رساله دکتری. دانشگاه تهران.

لنکرانی، محمد فاضل. (۱۴۲۵ق). *جامع المسائل*. چ یازدهم. قم: امیر قلم.

مدنی، علیخان بن احمد. (۱۴۲۶). *الطراز الاول و الکناز لما علیه من لغه العرب العمول*. مشهد:

انتشارات مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام لاحیاء التراث.

مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۷۳). *معارف قرآن*. قم: مؤسسه در راه حق.

مطهری، مرتضی. (۱۳۷۶). *مجموعه آثار شهید مطهری*. تهران: صدرا.

معین، محمد. (۱۳۸۶). *فرهنگ فارسی معین*. تهران: ثامن.

موسی‌زاده، ابراهیم و کیخا، سعید. (۱۳۹۹). *فصلنامه راهبرد اجتماعی-فرهنگی*. سال نهم. شماره

۳۴. بهار. صص ۱۲۰-۹۱.

معنای عدالت در تفسیر «المیزان». (quranstudies.ir)

References

Quran

Nahj al-Balaghah

Arista, Mohammad Javad and Berteh (2018) «Critical currentology of human rights by analyzing the basic concept of human dignity based on Islam and Christianity», *Knowledge of Religions*, Year 10, Vol. 3, Summer, 25-43

Akhwan Tabasi, Mohammad Hossein and Davari, Hossein (2017)« Formulation of the concept of justice in the Holy Quran based on the semantics of the word installment», *biannual scientific-research journal of Qur'an interpretation and language*, Vol. 13, Autumn and Winter, 107-128

Amid Zanjani, Abbas Ali (2000), *political jurisprudence*, 4th quarter of Tehran: Amir Kabir

Amid Zanjani, Abbas Ali and Tawakoli, Mohammad Mahdi (2006)« Islamic Human Rights and Inherent Human Dignity in Islam», *Law Quarterly Journal of Faculty of Law and Political Sciences*, Volume 37 Number 4, 161-189

Badri Gregari, Rahim et al. (2016)« Examining the dimensions and effects of human dignity from the perspective of Imam Reza (peace be upon him) and schools of psychology», *Farhang Razavi Scientific Research Quarterly*, 7th year, No. 26, 101-135

Dehkhoda, Ali Akbar (1998) *Dehkhoda dictionary*, Tehran: University of Tehran, 12th edition

Delshad Tehrani, Mustafa, (1998), *Dolat Aftab*, Tehran, Andisheh Javan House.

Faiz Kashani, Mollah Mohsen. (No Date). *Tafsir al-Safi*; Research by Hossein Alami; Ch2, Tehran: Sadr Publications

Firouzjaei, Asad (2019) «Analyzing the preconceptions of human ontological dignity on the sanctity of abortion with a theological approach», *bi-quarterly scientific journal of religious anthropology*, 17th year, number 44, autumn and winter, 201-212

Honneth, Axel. (1995). *The Struggle for recognition: Thr moral grammar of Social Conficts*. Cambridge, UK. Combridge: Mass, USA: Policy Press, Biackwell Publishers.

<https://www.ldoceonline.com/dictionary/dignity>

<https://www.topperlearning.com/answer/how-does-how-does-democracy-promote-dignity-and-freedom-of-an-individual-Civics-TopperLearning.com|d7yduud..15/03/2016>

Ibn Darid, Muhammad Ibn Hasan (1988), *Jamrah al-Legha*, Beirut: Dar al-Elam Lallamabin.

- Ibn Manzoor (1993). *The language of the Arab*. Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya.
- Jafari, Mohammad Taqi, (1998) *Jurisprudential treatises*, Tehran, Mansurat Institute of Karamat
- Javadi Amoli, Abdullah (2002) *Thematic Tafsir of the Qur'an: The face and character of man in the Qur'an*; Q2, Qom: Esra Publishing Center
- Lankarani, Mohammad Fazil (2004), *Jame al-Masail Chapter 11*, Qom: Amir Qalam
- Leo Strauss, Leo (1994) *What is political philosophy?*, translated by Farhang Rajaei, Tehran, Scientific and Cultural Publications.
- Madani, Ali Khan Ibn Ahmad (2005) *Al-Taraz al-Awwal and al-Kanaz Lema Aleihi Man Lagha Al-Arab al-Amul*. Mashhad. Publications of Al-Al-Bayt Institute, peace be upon him, Lahiya al-Tarath
- Misbah Yazd, Mohammad Taqi (1994) *Quran Education*, Qom: Institute on the Right Path.
- Moin, Mohammad (2007), *Moin Persian culture*, Tehran: Saman.
- Motahari, Morteza (1997) *The collection of works of shahid Motahari*, Tehran: Sadra
- Mouszadeh, Ebrahim and Kikha, Saeed (2019) « Human dignity in Islam, the basis of the support strategy of positive discrimination in the rights of the disabled; The ideal model of human governance »*Social-Cultural Strategy Quarterly*, Year 9, Number 34, Spring 120-1991
- Qasim Ahmed, Maryam (2016) «*Conceptual analysis of dignity in the Quran and narrations in the light of semantic knowledge and its measurement criteria in communication behavior*», doctoral thesis, University of Tehran
- Ragheb Esfahani, Hossein bin Muhammad (1991) *al-Mufardat fi Gharib al-Qur'an*, research: Safwan Adnan Davoudi, Damascus: Dar al-Elam.
- Rai, Masoud (2013). « The meaning and foundation of human dignity; With a look at political dignity in Quranic teachings», *Political Knowledge Quarterly*, 6th year, No. 2, 5-24
- Ramzani, Hossein (2013) «*The value structure of an ideal society from the perspective of Islamic knowledge and thinking*» in the bi-quarterly specialized journal of humanities research related to Jamiat al-Mustafi, second year, number two, autumn and winter
- Salmanpour, Daud et al. (2018) «The inherent dignity of human beings in the Holy Quran», bi-quarterly scientific journal "*Quran and Hadith Studies*", 13th year, number 1, fall and winter, 219-2242
- Shabannia, Qassem (2013)« *Mechanisms of Islamic Jurisprudence in Revival and Consolidation of Human Dignity*», *Political Knowledge*, Sixth Year, Number One, Spring and Summer, 25-42

۱۴۴ | فصلنامه علمی پژوهشنامه معارف قرآنی | سال سیزدهم | شماره ۵۰ | پاییز ۱۴۰۱

Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein (1996) *Al-Mizan in Tafsir al-Qur'an*; Al-Awali, Beirut: Al-Alami Press Institute,
The meaning of justice in the interpretation of "Al-Mizan" (quranstudies.ir)



استناد به این مقاله: رهبر، عباسعلی. (۱۴۰۱). وجوه اجتماعی-سیاسی امرکرامت در معرفت، فصلنامه علمی پژوهشنامه معارف قرآنی، ۱۳(۵۰)، ۱۱۹-۱۴۴.

DOI: 10.22054/rjqk.2022.69281.2660



Quranic Knowledge Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.